

بازخوانی پرونده جنایی

دختری ۱۵ ساله

که قصه زندگی اش ناتمام ماند



شیمـا، مقتول

گروه حوادث: مرضیه همایونی / تابستان سال ۹۸ بود که مردی درمانده و دردمند تصاویر دختر نوجوانش را در فضای مجازی منتشر کرد و از مردم خواست چنانچه دختر گمشده‌اش را دیده‌اند با شماره تلفن او تماس بگیرند و پدر و مادری را از نگرانی برهانند، شاید کسی فکر نمی‌کرد این دختر زیبا و خوش‌خنده در محصمه افتاده و دچار چه سرنوشتی شده است. خیلی زود تصاویر شیمای ۱۵ ساله در فضای مجازی دست به دست چرخید و پدرش در کوچه و خیابان سرگردان به دنبال یافتن او بود و از پلیس و دستگاه قضایی و مردم کمک می‌خواست. او برای یافتن دخترش مژدگانی هم تعیین کرده بود و می‌گفت هر کسی که خبری از شیمای برایم بیاورد ۱۰۰میلیون تومان به او بدهم.

سرنخ یافتن دختر نوجوان

۲۶ مرداد سال ۹۸ بود که گزارش ناپدید شدن شیمای، به پلیس اعلام شد و کارآگاهان پلیس آگاهی تهران تحقیقات خود را برای یافتن این دختر آغاز کردند. پدر شیمای به پلیس گفته بود که دخترش از خانه خارج شده و دیگر برگشته است. پلیس همه احتمالات در ناپدید شدن این دختر را بررسی کرد تا اینکه به بررسی دوربین‌های پایانه‌های مسافربری پرداختند و اینجا بود که اولین سرنخ از او به دست آمد. دوربین‌های پایانه مسافربری بیهی نشان می‌دادند که شب حادثه شیمای سوار بر خودروی پریشای سفید رنگی شده است. شماره پلاک خودرو بررسی شد و صاحب آن که مردی ۶۰ ساله به نام بهلول بود، شناسایی و برای بازجویی و تحقیق احضار شد. اما راننده مدعی شد آن شب شیمای را از پایانه مسافربری بیهی سوار کرده و بعد هم او در مسیر پیاده شده است و خبری از او ندارد. بهلول با این ادعا چند روز بعد آزاد شد، اما پدر شیمای که همچنان در جست و جوی دخترش بهلول بود با مراجعه به پایانه بیهی متوجه شد مردی که شیمای را آن شب سوار خودرواش کرده مردی بدسابقه و از فروشندگان مواد مخدر است و قبل از این هم بارها زن‌ان و دختران تنها را از پایانه سوار کرده. در مجموع فرد خوشنامی نبوده است. بنابراین پدر شیمای با اصرار و درخواست‌های مکرر از رئیس وقت قوه قضائیه (شهید رئیسی) موفق شد دستور پیگیری ویژه این پرونده را بگیرد و بار دیگر بعد از حدود چند ماه از این ماجرا بهلول دوباره بازداشت شد.

اعتراف به قتل بعد از سه ماه

افسر رسیدگی کننده به پرونده شیمای در این باره به «ایران» می‌گوید: «با توجه به اینکه بهلول آخرین فردی بود که شیمای را دیده بود و اظهاراتش هم خلاف واقع بود و از آنجایی که هیچ اثری از دختر نوجوان نبود، احتمال دخالـت او در این پرونده بیشتری می‌شد. بنابراین مرد ۶۰ ساله این بار به اداره قتل منتقل شد. وی مدعی بود شیمای را شب حادثه به خانه‌اش برده است اما او بعد از چند شب کلید خانه را برداشته و فرار کرده است. با این حال وی بعد از سه ماه اعتراف کرد که شیمای بر اثر مصرف مواد مخدر فوت کرده و او هم از ترس جسد را به روستایی در کلیبر منتقل و کنار رود ارس دفن کرده است. با این اعتراف تیم جنایی همراه متهم راهی محل مورد نظر شدند اما پس از چند روز جست و جو جسدی یافت نشد. بهلول چند روز بعد روایت دیگری مطرح کرد. او گفت: «وقتی شیمای حالش بد شد و جانـش را از دست داد، جسدش را در چالوس رها کردم. این بار تیم جنایی راهی محل شدند اما بازهم خبری از جسد نبود. وقتی به او گفتیم جسد پیدا نشده، او دوباره آدرس دیگری می‌داد که بازهم بی‌فایده بود.

آخرین بار ما را به سمت کوه‌های اطراف تهران برد ولی بازهم بی نتیجه بود. دیگر مطمئن شده بودیم او خودش در این جنایت نقش داشته و با این کار قصد دارد ما را گمراه کند تا راز جنایتش بر ما نماند. هر بار که بهلول آدرس اشتباهی می‌داد همکارانم با اعصابیت بار دیگر به بازجویی از وی می‌پرداختند و به خاطر این همه سرگردانی و نشانی اشتباهی که می‌داد کلی



متهم در حال کندن باغچه برای کشف جسد

به او غمی زدند تا اینکه یک روز من به آدرسی که داده بود رفتم و وقتی بی نتیجه برگشتم هیچ حرفی به بهلول ندم. فردای آن روز درخواست کرد تا مرا ببیند. گفت چون عصبانی نشدی می‌خواهم اعتراف کنم. شیمای من کشته‌ام، روزی که او سوار ماشینم شد، فریبش دادم و او را به خانه‌ام بردم. هر وقت بیرون می‌رفتم، در را به رویش قفل می‌کردم تا همسایه‌ها او را نبینند. وقتی دیدم پدرش در فضای مجازی سر و صدای زیادی به راه انداخته می‌دانستم اگر شیمای را رها کنم مرا لو می‌دهد و من به اتهام آزار و اذیت و آدم‌ربایی بازداشت می‌شوم به همین دلیل بعد از اینکه دفعه اول پلیس مرا آزاد کرد به خانه برگشتم و شیمای را کـشتم و تصمیم گرفتم او را به جای دیگری ببرم.

صاحبخانه من، خانه دیگری در حوالی خیابان نامجو دارد. چون من کارهای خانه‌اش را انجام می‌دادم، کلید آنجا را به من داده بود. می‌دانستم شب حادثه زن سالخورده خانه نیست، برای همین جسد را در باغچه خانه دفن کردم و به خانه برگشتم.

حیات این خانه خیلی دنج است و درختان بلندی دارد و موقعیت آن طوری است که مستاجر طبقه بالا نمی‌تواند به خوبی حیات را ببیند. بعد از آن یک بار هم به بهانه چیدن انگور به قسمت حیات رفتم تا ببینم اوضاع چطور است. می‌خواستم ببینم چیزی مشخص است یا نه. وقتی دیدم خطری تهدید نمی‌کند، برگشتم تا اینکه دستگیر شدم.

وقتی بهلول به جنایت اعتراف کرد بلافاصله تیم جنایی راهی محل دفن جسد شدند. خانه‌ای ویلایی، قدیمی و دو طبقه که در ورودی به راهرو باز می‌شد و حیاط پشت خانه بود. در انتهای حیاط و در کنار باغچه محلی بود که جسد کشف شد.

روزی که به آن خانه رفتم زن صاحبخانه به من گفت: «بهلول را از سال‌ها قبل می‌شناسم از زمانی که سرباز بود، او با خواهرم آشنا بود. کارهای تعمیرات و نقاشی می‌کرد و من از طریق خواهرم با او آشنا شدم. بهلول ۴ سالی می‌شد که مستاجر خانه‌ام در محدوده نظام آباد بود. نمی‌دانم چطور کلید خانه‌ام را به دست آورده ولی در این مدت شناختی که از او داشتم تصور می‌کردم او فردی بی‌آزار است و حتی یک درصد هم احتمال نمی‌دادم که دست به قتل بزند.»



متهم در دادسرا



پلیس همه احتمالات در ناپدید شدن این دختر را بررسی کرد تا اینکه به بررسی دوربین‌های پایانه‌های مسافربری پرداختند و اینجا بود که اولین سرنخ از او به دست آمد. دوربین‌های مسافربری بیهی نشان می‌دادند که شب حادثه شیمای سوار بر خودروی پریشای سفید رنگی شده است

شیمای گفت و او را به هم ریخت، او را به مشاوره بردیم اما فایده‌ای نداشت. ۲۶ مرداد سال ۹۸ بود که شیمای از خانه ما رفت، می‌خواست برود مشهود دنبال پدر و مادر واقعی‌اش بگردد. شیمای سه بار از خانه رفت و هر بار می‌رفت تا پدر و مادرش را پیدا کند. در نهایت هم دیگر خبری از او نشد. آن زمان تشکیل پرونده دادیم و در نهایت نامه گرفتیم و پرونده را به اداره آگاهی منتقل کردیم که آنجا رسیدگی گسترده‌ای برای یافتن شیمای آغاز کردند.

او می‌گوید: «شیمای ساعت ۲۰ دقیقه به چهار صبح روزی که ناپدید شد با همسرش تماس گرفت و گفت بخشید که بی‌خبر رفتم الان به خانه برمی‌گردم. اما همان زمان گوشی موبایلش خاموش شد. ظاهراً شیمای روی یکی از نیمکت‌های پایانه بیهی نشسته بود که مرد میانسالی به سمتش می‌رود و کنار او می‌نشیند و سر صحبت را باز می‌کند. به او می‌گوید من راننده خودروی اینترنتی هستم. به گفته شاهدان او حدود ۴۰ دقیقه با دخترم حرف زده بعد او را فریب داده و سوار خودرواش کرده و نمی‌دانم به چه ترفندی او را به خانه برده است.» پدرخوانده شیمای می‌گوید: «زمانی که مشخص شد باید خانواده اصلی شیمای اعلام بخشش یا قصاص کنند من گفتم حاضرم به آنها پول بدهم تا به قاتل رضایت دهند حتی حاضر بودم تقاضا دهم تا هم خودم بدهم تا قصاص شود اما به حرفم اهمیتی ندادند و قاتل شیمای را بخشیدند.»

وی می‌گوید: «من دنبال بهلول هستم. چنین جنایتکاری نباید راحت از چنگ قانون فرار کند باید شدیدترین مجازات‌ها برایش در نظر گرفته شود. مدام تصویر او را در فضای مجازی منتشر می‌کنم و از مردم می‌خواهم اگر کسی او را می‌شناسد به من خبر دهد. باید بدانند که چه ظلمی به دخترم کرده بود.»

شیمای دختر آرامی بود

یکی از دوستان شیمای که حالا دانشجوی است، درباره او به «ایران» می‌گوید: «او خیلی دختر آرامی بود و آزارش به کسی نمی‌رسید. زمانی که فهمید پدر و مادرش، پدر و مادر واقعی او نیستند خیلی به هم ریخت. بعد هم که خیلی ناگهانی ناپدید شد. شنیده‌ام که قاتلش آزاد شده و پدرخوانده‌اش همچنان دنبال قاتل می‌گردد.

هر چند با گذشت و رضایت والدین واقعی شیمای، قاتل از چوبه دار فاصله گرفت، اما به لحاظ جنبه عمومی جرم و به اتهام آدم‌ربایی به تحمل ۸ سال محکوم شد و به زندان انتقال یافت، اما در زندان با نوشتن نامه‌ای درخواست عفو کرد. قاتل که حدود ۷۰ سال دارد گفته بود چون سنش بالا رفته و دچار بیماری‌های مختلف شده آرزو دارد بقیه عمرش را بیرون از زندان بگذراند. درخواست عفو او نیز پذیرفته و وی اردیبهشت سال ۱۴۰۳ از زندان آزاد شد. سرپرست دادسرای جنایی تهران در این باره می‌گوید: «پدر و مادر واقعی شیمای که اولین دم هستند با مراجعه به دادسرا رضایت خود را در مورد قتل دخترشان اعلام کردند. براساس قانون، اولیای دم تنها پدر و مادر واقعی اقرار هستند. ناپدری و نامادری مقتول هیچ حقی در مورد درخواست قصاص و دیه ندارند.»



هر چند با گذشت و رضایت والدین واقعی شیمای، قاتل از چوبه دار فاصله گرفت، اما به لحاظ جنبه عمومی جرم و به اتهام آدم‌ربایی به تحمل ۸ سال محکوم شد و به زندان انتقال یافت، اما در زندان با نوشتن نامه‌ای درخواست عفو کرد

جنایت در ۲۰ ثانیه

بهلول وقتی بعد از ماه‌ها به قتل شیمای اعتراف کرد در تشریح ماجرا گفت: «او به بچه‌هایم توهین کرد و من از دستش عصبانی شدم و او را در ۲۰ ثانیه کـشتم.

باشیمای چطور آشنا شدی؟

من راننده خودروی اینترنتی بودم به ترمنال هم می‌روم و مسافر سوار می‌کنم. نزدیک صبح بود که در ترمنال بیهی شیمای را دیدم. گفت می‌خواهم به خانه بروم اما پول کرایه کم دارم. به او گفتم من می‌روم چای بخورم اگر تا آن موقع خودرویی پیدا نکردی تو را می‌برم. رفتم داخل سالن چای بخورم که آمد و گوشه‌ای نشست. گفت بیرون کارگران رستوران به من متلک می‌اندازند. او را سوار ماشین کردم و روی صندلی عقب نشستم.

فکری می‌کردی بازداشت شوی؟

اصلاً فکر نمی‌کردم دستگیر شوم. هر چیزی ممکن است اتفاق بیفتد. من چیزی نداشتم که از دست بدهم. کارم و زندگی‌ام را از دست داده بودم. پدر و مادرم مرده بودند و من آدم تنهایی بودم.

چرا همان روز اول که بازداشت شدی به قتل و محل دفن جسد اعتراف نکردی؟

ناپدری شیمای در روزهایی که آزاد بودم مرا اذیت می‌کرد و بارها مرا تهدید کرده بود و حتی شیشه خودروی مرا شکست به همین خاطر از او کینه به دل گرفتم و خواستم او را اذیت کنم و اگر او از روز اول با من برخورد خوبی داشت اعتراف می‌کردم اما تصمیم گرفتم دیرتر اعلام کنم تا پیشتر او را اذیت کنم.

نکته

انواع قرار در روند رسیدگی به پرونده‌ها

قرارهای قضایی در پرونده‌های کیفری، بسته به شرایط پرونده و دلایل موجود، آثار متفاوتی دارند؛ از توقف تعقیب به دلیل موانع قانونی و بایگانی موقت پرونده تا ارسال پرونده به دادگاه برای رسیدگی. آشنایی با تفاوت قرار موقفی تعقیب، بایگانی پرونده، توقف تحقیقات، منع تعقیب و جلب به دادرسی به درک بهتر روند رسیدگی قضایی کمک می‌کند.

در رسیدگی به پرونده‌های کیفری، تصمیم قضایی همیشه به معنای محکومیت یا برائت متهم نیست. قانون آیین دادرسی کیفری، قرارهای مختلفی را پیش‌بینی کرده است که هر یک بر اساس شرایط مشخصی صادر می‌شوند و آثار حقوقی متفاوتی دارند.

قرار موقفی تعقیب

این قرار زمانی صادر می‌شود که یکی از جهات قانونی، ادامه تعقیب کیفری را غیرممکن کند. بر اساس ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری، قوت متهم، گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت، عفو، نسخ مقرر قانونی، و اعتبار امر مختم از جمله جهات صدور این قرار هستند.

البته صدور قرار موقفی تعقیب به معنای اثبات بی‌گناهی متهم نیست؛ بلکه نشان می‌دهد تعقیب به دلیل وجود مانع قانونی متوقف شده است. همچنین گذشت شاکی در جرایم غیرقابل گذشت، به‌تنهایی موجب موقفی تعقیب نمی‌شود.

قرار بایگانی پرونده

مطابق ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، در صورت نبود شاکی یا گذشت او و فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری در متهم، مقام قضایی می‌تواند با رعایت شرایط قانونی، از تعقیب خودداری و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. این تصمیم پس از تقیم اتهام و بررسی وضعیت اجتماعی، سوابق و شرایط وقوع جرم اتخاذ می‌شود و امکان اخذ التزام کتبی برای رعایت مقررات قانونی نیز وجود دارد. صدور قرار بایگانی پرونده اختیاری است و این قرار ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض خواهد بود.

قرار توقف تحقیقات

بر اساس ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرایم تعزیری درجه چهار تا هشت، اگر با انجام تحقیقات لازم مرتکب شناسایی نشود و دو سال تمام از وقوع جرم بگذرد، با موافقت دادستان قرار توقف تحقیقات صادر و پرونده به‌طور موقت بایگانی می‌شود.

این تصمیم به معنای مختمه شدن همیشگی پرونده نیست. اگر هویت مرتکب در آینده مشخص شود، تعقیب با دستور دادستان از سر گرفته خواهد شد. در پرونده‌هایی که شاکی دارند، قرار به او ابلاغ می‌شود و قابلیت اعتراض دارد.

قرار منع تعقیب

قرار منع تعقیب مطابق ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری، در دو حالت صادر می‌شود: اول، زمانی که رفتار ارتكابی جرم نباشد و دوم، هنگامی که دلایل کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد. برای مثال، صرف انجام ندادن تعهدات قراردادی، بدون تحقق عناصر قانونی جرم، لزوماً موجب تعقیب کیفری نمی‌شود. همچنین ممکن است وقوع یک جرم مطرح باشد، اما مدارک موجود برای انتساب آن به شخص مورد شکایت کافی نباشد.

قرار جلب به دادرسی

کارگاه رفتار ارتكابی جرم باشد و دلایل کافی برای انتساب آن به متهم وجود داشته باشد، بازرس مطابق ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند. در صورت موافقت دادستان، طبق ماده ۲۶۸ کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه صالح ارسال می‌شود.

قرار جلب به دادرسی به معنای محکومیت قطعی متهم نیست؛ بلکه بیانگر آن است که دلایل موجود برای طرح اتهام در دادگاه کافی تشخیص داده شده است. تصمیم نهایی درباره محکومیت یا برائت پس از رسیدگی دادگاه اتخاذ می‌شود. البته قرارهای کیفری به این پنج مورد محدود نمی‌شوند و قرارهایی مانند ترک تعقیب، تعلیق تعقیب و اناطه نیز در قانون پیش‌بینی شده‌اند. همچنین جرایم تعزیری درجه هفت و هشت اصلاً مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شوند؛ بنابراین، نمی‌توان تمام این قرارها را فقط تصمیم‌های نهایی دادسرا دانست. شناخت تفاوت قرارهای کیفری به شاکیان و متهمان کمک می‌کند آثار تصمیم قضایی، امکان ادامه رسیدگی و مسیرهای قانونی پیگیری پرونده را بهتر درک کنند.